



انسان گرایی ناممکن (۱۴)

خاستگاه اخلاق

ابراهیم الرّمّاح | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان گرایی ناممکن (۱۴) خاستگاه اخلاق

با آنکه می‌دانیم خاستگاه اصلی اخلاق، دین است^۱ و نخستین بستر تاریخی‌ای که دعوت به اخلاق در آن محقق شد، بستر دینی بوده است،^۲ با این حال انسان‌گرایان به نام انسانیت و جهان‌شمولی انسان، به قطع رابطه دین و اخلاق فرامی‌خوانند. آنان می‌کوشند میان «خروج از دین» و «خروج از اخلاق» تمایز نهند تا مردم را از ورود به دین منصرف کنند، با این بهانه که انسانیت را چیزی جز اخلاق متحد نمی‌سازد.^۳

عقل، هرچند خوبی و زیبایی برخی اخلاقیات را پیش از آمدن شرع اثبات می‌کند، اما به تنهایی قادر به شناخت جزئیات نیست. مردم نیز گرچه - مثلاً -

^۱ طه عبدالرحمن. شرود ما بعد الدهرانية. (۱۶).

^۲ طه عبد الرحمن. من الإنسان الأبتري إلى الإنسان الكوثر (۳۷).

^۳ طه عبد الرحمن. شرود ما بعد الدهرانية (۵۴۴). همچنین ببینید: بؤس الدهرانية: النقد الائتماني لفصل الأخلاق عن الدين.

ریشه اخلاق

در اصل بر خوبیِ عدالت اتفاق نظر دارند، اما در جزئیات و چگونگی اجرای این ارزش در واقعیت، با هم اختلاف دارند. چه بسا «عدالت در یک آیین و سیاست، خلاف عدالت نزد دیگران باشد؛ مانند تقسیم ارث».^۱

ابن قیم می‌گوید: «نهایتِ توان عقل آن است که خوبیِ آنچه را شرع برتر شمرده یا زشتیِ آنچه را قبیح دانسته، به‌طور اجمالی درک کند؛ عقل آن را به‌جمال درمی‌یابد و شرع جزئیاتش را می‌آورد. همان‌طور که عقل، خوبیِ عدالت را درک می‌کند، اما اینکه آیا این فعلِ معین، عدالت است یا ستم، این از چیزهایی است که عقل در هر فعل و پیمانی از درک آن عاجز است... بنابراین، نیاز به پیامبران ضروری است، بلکه فراتر از هر نیازی است و جهان به هیچ چیز محتاج‌تر از پیامبران (صلوات الله علیهم اجمعین) نیست. به همین دلیل است که الله سبحانه و تعالی، نعمت [وجود] پیامبرش را به بندگانش یادآوری می‌کند و آن را از بزرگترین منت‌های خود بر آنان می‌شمارد».^۲

^۱ ابن تیمیة. مجموع الفتاوی (۲۰/۶۹).

^۲ ابن قیم. مفتاح دار السعادة (۲/۱۱۷).

ریشهٔ اخلاق

گفتمان اخلاقی از مقولات دینی جدایی‌ناپذیر است، هرچند که مکتب انسان‌گرایی مدعی تعالی گفتمان اخلاقی و بی‌نیازی آن از دین باشد. و اگرچه نظریه‌پردازان اخلاق انسان‌گرا نهایت تلاش خود را برای جداسازی اخلاق از دین، و حتی فراتر رفتن از افق آن به کار بسته‌اند، اما همچنان از مقولات اخلاقی تثبیت شده در حوزهٔ دین یاری می‌جویند، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم.^۱ گاه ممکن است انسان‌گرا از این یاری‌جویی آگاه باشد و عمداً آن را انجام دهد، به این بهانه که این مقولات را - چه مفاهیم و چه تعابیر - از بستر «متعالی»^۲ که در اصل در آن به کار رفته‌اند، جدا کرده و در بسترهایی

^۱ برخی از ملحدان انسان‌گرا، استفاده از برخی اصطلاحات عاریت گرفته شده از ادیان در شرح مکتب انسان‌گرایی را نوعی فریبکاری برای عموم می‌دانند که باید از آن اجتناب کرد. بنگرید به:

Marilyn Mason, Spirituality: What on Earth is it? P. 5.

^۲ منظور از «بستر متعالی» یا بستر فراتر، چارچوب دینی و الهی است؛ یعنی جایی که مفاهیمی (مانند اخلاق) به یک منبع فرامادی و الهی (مانند خدا و وحی) گره می‌خورند. در مقابل، «بسترهای غیرمتعالی» به چارچوب‌های سکولار، مادی و صرفاً انسانی اشاره دارد که این مفاهیم را بدون اتکا به مبدأ الهی و تنها بر اساس عقل بشری یا قرارداد اجتماعی تعریف می‌کنند. برای مثال در ایدهٔ ناسیونالیسم از مفاهیمی مانند فداکاری و وطن‌پرستی سخن گفته می‌شود در حالی که پرستش

ریشهٔ اخلاق

غیرمتعالی به کار می‌برد؛ اما فراموش می‌کند که این جداسازی از بستر کلی بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا ممکن است آثار «تعالی» نادانسته به کاربردهایش نفوذ کند به ذهنش خطور کند، چرا که [این مفاهیم] در اعماق ناخودآگاه او ریشه دوانده‌اند. و گاه ممکن است انسان‌گرا از این یاری‌جویی آگاه نباشد و معانی و سخنانی بر زبان آورد که ریشهٔ دینی آن بر محقق پنهان نیست.^۱ در این باره اسقف آکسفورد «ریچارد هریس» می‌گوید: «بسیاری از کسانی که تعهد اخلاقی شدیدی بدون پایهٔ دینی دارند، [این تعهد آنان] توسط پدران یا اجدادشان شکل گرفته که عمیقاً به اصول اخلاق و دین پایبند بوده‌اند».^۲

نیکلای بردیایف (Nikolai Berdyaev) (۱۸۷۴ - ۱۹۸۴ م) می‌گوید: «قائل شدن به مکتب انسان‌گرایی ملحدانه، نوعی تناقض است؛ زیرا اگر وجود خدا منتفی شود، در پی آن وجود انسان نیز منتفی می‌شود». بدون دین و اندیشهٔ جهادِ روحیِ مستمرِ انسان، هیچ ایمان حقیقی به انسان به عنوان یک ارزش

یا فداکاری هرگزیک ایدهٔ سکولار و «زمینی» نیست و فراتر از متعالی است. برخی از مناسک سکولار نیز از مناسک دینی کپی‌برداری شده است. (مترجم)

^۱ طه عبدالرحمن. شرود ما بعد الدهرانية (گریزِ پسادهرانی‌گری). (۳۷-۳۸).

^۲ استیون لائو. الإنسانوية: مقدمة قصيرة جداً (انسان‌گرایی: مقدمه‌ای بسیار کوتاه). (۸۴).

ریشه اخلاق

والا وجود ندارد. بدون آن، ایمان به امکان «انسانیت انسان» یا به وجود حقیقی او منتفی می‌شود... کسی که آفرینش انسان را به رسمیت نمی‌شناسد، نمی‌تواند معنای حقیقی انسانیت را درک کند.^۱ «الحاد، علم تجربی و پیشرفت مادی را می‌پذیرد، درحالی‌که در جوهر خود انکار انسان را در پی دارد و به همین دلیل، انسانیت، آزادی و حقوق بشر را انکار می‌کند».^۲

جنبش انسان‌گرا مدعی است که در فراخوان برای کارهای خیریه و امدادی نیازی به دین نیست، و در همان حال که از نام انسانیت «فراگیر» بهره‌برداری می‌کنند، کمک‌های مالی خود را به کسانی اختصاص می‌دهند که با دیدگاه الحادی آن‌ها موافق باشند، چنان‌که در مؤسسه «فراسوی ایمان» (Foundation Beyond Belief - FBB) دیده می‌شود؛ این مؤسسه از منظر انسان‌گرایی بی‌دینانه، کمک‌های مالی را جمع‌آوری و کارهای داوطلبانه را سازماندهی می‌کند. با این حال، یک رساله دکتری در دانشگاه کپنهاگ^۳

^۱ علی عزت بگوویچ. الإسلام بین الشرق والغرب (اسلام میان شرق و غرب). (۸۹).

^۲ پیشین (۴).

^۳ Marie Juul Peterse, For Humanity or for the Umma? Ideologies of Aid in Four Transnational Muslim NGOs, University of Copenhagen, 2011.

ریشه اخلاق

خواسته است مؤسسات امداد رسان اسلامی را زیر ذره بین بگذارد، زیرا از نظر آنها این مؤسسات بین ادیان تبعیض قائل می شوند و کمک های خود را به مسلمانان اختصاص می دهند؛ [ادعا می کنند که] کمک های آنها عقیدتی است نه سکولار، و به «امت» اختصاص دارد نه «انسانیت»!

حال که سخن از کمک های مالی و انجمن های خیریه به میان آمد، [باید گفت] یکی از آثار نفوذ افکار انسان گرایانه در برخی افراد این است که آنان برنامه های دعوت به اسلام را که همراه با کمک های امدادی است، «بهره برداری از نیاز [مردم] برای نشر ایدئولوژی» می دانند! و نمی دانند که اسلام بزرگترین هدیه ای است که به بشریت تقدیم می شود؛ آنگاه که «شهادت حق» آنان را از عذاب دائمی آخرت نجات می دهد و دستشان را به سوی نعمت جاودان بهشت می گیرد. کاستن از رنج های لحظاتی در این دنیای فانی، در برابرها کردن روح و جسم در رنج ابدی، چه ارزشی دارد؟!

با وجود انجمن های «خیریه» انسان گرا، در یک آمارگیری مشخص شد که میانگین کمک مالی مسلمانان بیشتر [از دیگران] است، سپس یهودیان،

ریشهٔ اخلاق

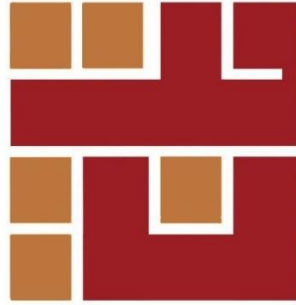
سپس پروتستان‌ها، سپس کاتولیک‌ها و کمتر از همه ملحدان!^۱ در تحقیقی دیگر، مشخص شد که میانگین کمک‌های مالی ملحدان کمتر از یک‌هفتم کمک‌های مالی دین‌داران است. با این حال، انسان‌گرایان ادعا می‌کنند که برای پایه‌ریزی اخلاق و نیکی به دیگران، نیازی به دین نیست!

در همین راستا، برخی - آگاهانه یا ناآگاهانه - برای «سکولار کردن کار داوطلبانه» تلاش می‌کنند؛ در نتیجه، کار داوطلبانه صرفاً برای «تحقق ذات» (خودشکوفایی) و رضایت از خود انجام می‌شود، نه برای طلب خشنودی خدای متعال و سرای آخرت. آنان می‌کوشند با کنار گذاشتن نصوص وحی که در فضیلت آن وارد شده، و با اتکای صرف به انگیزه‌های «انسانی»، کار داوطلبانه را از ریشهٔ اسلامی آن جدا کنند.

* * *

^۱ <https://www.huffingtonpost.co.uk/2013/07/21/muslims-give-most n 3630830.html>

ریشهٔ اخلاق |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies